

در تلاش شهر تاریخی دیبل

درباره بندر قدیم سند یعنی دیبل از مدتهاست که محققان فرنگی و شرقی مقالات و کتابها نوشته اند و در کتب جغرافیای عرب و مسالک و ممالک نیز تفصیلی درین باب موجود است. ولی از تمام تحقیقات و نوشته های دانشمندان شرق و غرب چیزی مستند و کارآمد درباره تعیین موقعیت آن بدست نمی آید و هر کس که چیزی نوشته عقده ای بر مشکلات و اختلاطهای سابقه افزوده است و بالاخره:

شد پریشان خواب من از کثرت تعبیرها

چون روایات قدما و معاصرین درین باره فراوانست. من در اینجا ذکر آن صرف نظر میکنم و فقط همان اقوالی را می آورم که در تعیین موقعیت دیول یا دیبل بما رهنمایی کرده میتواند و درین مقالت یگانه مقصد من توضیح دو نکته است:

اول: تعیین و تشخیص جای وقوع شهر دیول (دیبل).

دوم: توضیح و تجزیه کلمه دیول (دیبا) از روی قواعد لسانی و تاریخی.

جای وقوع دیبل:

غالباً تمام جغرافیا نگاران و مؤرخان غرب از زمان قدیم نام این شهر را ذکر کرده اند، ولی از بین اقوال جغرافیون عربی آنچه در موضوع ما نحن فیه بدرد ما میخورد قرار ذیل است:

(۱) جغرافیا نگار اقدم زبان عربی ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن خردادبه در کتاب المسالک والممالک (طبع لیدن ۱۳۰۶) که در حدود (۲۵۰ هـ) نگاشته شده گوید: ثار حد فاصل فارسره سند است و از ثار تا دیبل هشت روزه راهست و از دیبل تا مصب مهران یعنی جائیکه نهر سند به بحر آمیزد دو فرسخ فاصله است (ص ۶۲ طبع لیدن).

مخفی نماند که ابن خردادبه یکی از رجال عصر خلیفه معتمد بالله عباسی است که صاحب برید و مامور اطلاعات بود. خود وی به سند سفری نکرده ولی اطلاعات وی مبنی بر وثایق حکومتی است و بنا بران قول وی معتبر است و هم قدیمترین سند عصر اسلامست که تاکنون درباره دیبل بما رسیده است.

(۲) احمد بن یحیی بن جابر مشهور به البلاذری (متوفی ۲۷۹ هـ) که مؤرخ نهایت معتبرست در فتح دیبل مینویسد: لشکر اسلامی از راه شیراز و مکران و قنز بور و ارمائیل و قنبیل به دیبل آمدند درینجا کشتی های حامل لشکر پیاده و اسلحه و ذخایر مسلمانان هم رسید و لشکریان اسلامی بر موقع مناسبی فرود آمدند و خندق ها کردند و بوسیله منجیق (عروس) بر معبد منادار (بد) سنگباری کردند که این بتکده بلند خیلی معروف و بالای مناره آن بر شهتیری پرچم سرخی در اهتزاز بود. مسلمانان این معبد را با پرچم آن ویران کردند و دیبل را فتح کرده چهار هزار عرب را در آن ساکن ساختند که وی این منادر شکسته را دیده بود (فتوح البلدان، طبع لیدن، ۴۳۷ - ۴۳۸).

ازین بیانات البلاذری بخوبی واضح میگردد که دیبل بر کنار ابی بود که لشکریان پیاده اسلامی با اسلحه و مهمات جنگی ذریعه کشتی بدانجا واصل شدند و ما درینجا دو فرض کرده میتوانیم: که کشتی مذکور و یا در بحر آمده باشد و یا در دریای سند ولی چون بقول جغرافیاننگاران مصب دریای سند از دیبل دو فرسخ دور بود بنا بران باید صورت اول را قبول کنیم. که لشکر اسلامی از کشتی های بحری بر ساحل دیبل فرود آمده اند. کذلک همین البلاذری در جای دیگر فتوح (ص ۴۴۲) گوید:

"جنید به دیبل رسید و بر کنه‌ها مهران فرود آمد" و ازین هم پدید می‌آید که کنار مهران عین دیبل نبود و قدری فاصله در بین داشتند.

(۳) دیگر از جغرافیانگاران و مؤرخان معتبر عرب ابوالحسن علی مسعودی جهانگرد بزرگ عرب است که کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر خود را بسال ۳۳۲ هـ بعد از سیر سیاحت جهان نوشت وی خودش از هند دیدن کرده و با وضاحت تام گوید: "و هر دو قسم آب مهران (سند) در شهر شاکره از اعمال منصوره در بحر هند می‌ریزد و این جا بفاصله دو روزه راه از شهر دیبل دور است" (مروج الذهب ص ۳۷۸، ج ۱). این تصریح مسعودی خیلی کارآمد است زیرا وی شاکره ره مصب مهران گفته که از انجا تا دیبل دو روزه راه بود ولی چون سمت را تعیین نکرده نمی‌دانیم که این فاصله شرقی بود یا غربی، بهر صورت چون شاکره مسعودی همین (ساکره) است که اکنون هم موجود است این اشاره در تعیین موقع دیبل بدرد ما می‌خورد.

(۴) بعد ازین ابو اسحق ابراهیم بن محمد فارسی مشهور به اصطخری یکی از جهانگردان و جغرافیانویسان معروف عرب بسال (۳۴۰ هـ) بهند آمده وی در کتاب مسالک الممالک خود که معول بر کتاب صورالاقالیم ابو زید احمد بن سهل بلخی است دربارهٔ دیبل می‌نویسد: "این شعر بغرب مهران بر بحر واقع است و تجارتگاه هند است که کشت و میوه و درخت آن خیلی کم است ولی مقام سوداگران است" (ص ۱۷۵ مسالک الممالک، طبع لیدن، ۱۹۲۷).

ازین سخن اصطخری سمت وقوع دیبل که غربی مهران باشد نیز تعیین می‌گردد و تصریح میکند که بر بحر واقع یعنی شهر ساحلی بحر هند بود.

اصطخری دو اشاره دیگر هم به موقع دیبل دارد اولاً در شرح منحاتری گوید:

بر غربی مهران واقع است و کسانیکه از دیبل به منصوره روند درینجا بر مهران عبور کنند (ص ۱۷۵) ثانیاً در شرح خود مهران گوید: این دریا از پشت کوهی بر آید که از انجا برخی از آنها جیحون بر آمده اند. بعد ازان بملتان بمسدوالرور و منصوره گذرد و به شرقی دیبل در بحر افتد (ص ۱۸۰) ازین دو اشاره نیز قول اول بخوبی ثابت و روشن میشود.

(۵) در عین همین وقتیکه اصطخری سیاحت می‌پرداخت یکنفر تاجر بغدادی ابن حوقل نیز بسال ۳۳۱ هـ به جهانگردی برآمد. که کتاب وی بنام صورة الارض یا نقضه هائیکه ابن حوقل ترتیب داده بار دوم در لیدن بسال ۱۹۳۸ نشر شد وی گوید: "بریمین (دست راست) مصب نهر مهران بر ساحل بحر شهرهاست که دیبل از آن جمله است". این (یمین) نیز سمت غرب مهران را افاده میکند.

بعد از آن در (ص ۳۲۸) در شرح نهر مهران همان عبارت اصطخری را عیناً می‌آورد که به شرقی دیبل در بحر افتد.

از نقشه ابن حوقل که برای سنده ترتیب داده نیز دو نسخه موجود است یکی در طبع دوم صورة الارض ابن حوقل (مقابل ص ۳۱۷) و دیگر نقلی است که الیت از یک نسخه ناقص ابن حوقل او کتب خانه شاهی اوده گرفته بود و ابن حوقل آنرا در ۳۴۳ هـ ترتیب داده است. این دو نقشه باهم اختلافات جزوی دارند.

بهر صورت از قول اصطخری و ابن حوقل نیز واضح می‌شود که دیبل بر کنار دریای شور بود، بسمت غربی مصب مهران در بحر هند.

(۶) مؤلف نامعلوم حدودالعالم که این کتابرا بسال ۳۷۲ هـ نوشت چنین گوید: "دیبل شهریست از سند بر کران دریای اعظم ایست و جایگاه بازرگان" (ص ۷۴ طبع تهران ۱۹۳۲ ع) ازین قول هم واضح است که دیبل بر کنار بحر اعظم بود.

(۷) شمس الدین محمد بن احمد بشاری مقدسی جغرافیا نگار معرفة الاقالیم را بعد از سیاحت ممالک اسلامی بسال ۳۷۵ هـ نوشت. وی سرزمین سند را بچشم خود دیده و یک باب خاص کتاب را به شرح احوال سند تخصیص داده است، شرحیکه آن جهانگرد دقیق راجع به دیبل نوشته خیلی مغتنم و درین رشته بما معلومات خوبی را میدهد وی گوید: "دیبل شهر بحری است و دورادور آن صد قریه است که سکنه آن اکثراً کفار اند و آب بحر بر دیوارهای شهر بالا می شود تمام مردم آن بازرگانند زبان شان سندی و عربی است. در آنجا مهران به بحر می ریزد و کوه در صیحه آن واقع است. آب بحر در بازارهای آن داخل میشود" (ص ۴۷۹، احسن التقاسیم، طبع دوم لیدن، ۱۹۰۶ ع).

این تصریح البشاری بخوبی روشن می سازد که دیبل بر کنار بحر شور بود و آب بحر گاهی در بازارهای آن داخل میشد و بدیوارهای آن شهر بر میخورد و کوهی هم در اطراف آن باندازه رسانی آوازی واقع بود که به علی (صیحه) تعبیر شده.

(۸) در قانون مسعودی ابو ریحان البیرونی در حدود (۴۰۰ هـ) نیز ذکری از دیبل هست و بیرونی در شرح بلاد اقلیم ثانی طول دیبل را (صب، ل) یعنی ۹۲ درجه و ۳۰ دقیقه غربی از ساحل بحر محیط و عرض آنرا از خط استوا (کد، ی) یعنی ۲۴ درجه و ده دقیقه شمالی در سرزمین سند تعیین میکند علاوه برین البیرونی در همین جدول بلادشهری را بنام لوهرا نی می آورد. که بگفته وی مننه (بندرگاه کوچک) است بر مصب نهر مهران در بحر و طول آن (صد، که) یعنی ۹۴ درجه و ۲۵ دقیقه و عرض آن (کد، م) یعنی (۲۴ درجه و چهل دقیقه است) (ص ۵۵۲ ج ۲ قانون المسعودی طبع حیدرآباد دکن ۱۹۵۵) علاوه برین در همین سلسله البیرونی طول و عرض بلاد دیگر سند از قبیل ارزما ییل قنلی (در طبع قبیلی) و نیرون و بمهنوا (منصوره) را نیز تعیین کرده.

که ما در آخر این مبحث در حصه نتایج این مقاله نقشه برای آن ترتیب کرده و از روی معلومات البیرونی نتایج مثبت ریاضی و هندسی بدست خواهیم آورد. چون بیانات البیرونی مبنی بر اصول مثبت علمی و ریاضی است بنابراین درین سلسله خیلی کار آمد و مفید خواهد بود. ولی در نظر باید داشت که یاقوت در معجم البلدان طول دیبل را ۹۲ درجه ۲۰ دقیقه و عرض آنرا ۲۴ درجه ۳۰ دقیقه شمرده است.

(۹) بعد از بیرونی ذکری از دیبل در کتاب الانساب ابو سعید عبدالکریم سمعانی متوفی ۵۶۲ هـ نیز میرود که بنوبه خود مفید است. سمعانی گوید: الدیبلی: بفتح دال مهمله و سکون یا که دو نقطه زیر دارد و ضم با یک نقطه دار نسبتی است به دیبل که شهریست از بلاد ساحلی بحر هند نزدیک به سند و آبهای غزنه از مولتان (در اصل لغزنه من مولیان؟) و لوهور و سند کشمیر در دیبل فراهم آیند و درینجا به بحر کبیر ریزند (ورق ۲۳۶ ب کتاب الانساب، طبع لیدن ۱۹۱۲ م) ازین ذکر مختصر سمعانی نیز وقوع دیبل بر ساحل بحر هند ثابت است.

(۱۰) ابو عبدالله محمد بن عبدالله معروف به شریف ادیسی در نزهة المشتاق فی اختراق الافاق که بسال ۵۴۹ هـ نگاشته شده برخی معلومات دقیقی را درباره دیبل میدهد که ذیلاً ترجمه میشود:

"اکثر بلاد سند در جز سابع اقلیم دوم است. که دیبل هم از آنست درین حصه بحر جزایریست که جزیره ثاره و جبلا کسیر و عویر والدرد و راز آنجمله است و در جزیه دیبل شهر کسکهار (کشکهار) واقع است ... آغاز این سرزمین بحر فارس است و در جنوب آن دیبل شهری پر نفوس است که زمین آن خشک و بایر است. درخت ندارد کوهها و نشیب های آن از نباتات تهی و بناهای شهر اکثر از گل و چوب است مردم برای تجارت در آن ساکنند. از هند و چین و عمان کشتی ها آید و امتعه چینی و عطرها ی هندی می آورند. بین دیبل و موقع نهر مهران اعظم شش میل بطرف غرب فاصله است ..." (اقتباسات نزهة المشتاق ص ۲۸ - ۲۹ طبع علی گروه ۱۹۵۴) ازین بیان دقیق ادیسی نیز فواصل و سمت وقوع دیبل را بخوبی تعیین کرده می توانیم که در قسمت نتایج این

مقاله شرح داده خواهد شد.

(۱۱) در مرصده الاطلاع که ملخص معجم البلدان یا قوت حمویست (تألیف صفی الدین عبدالحق متوفی ۷۴۹) درباره دیبل گوید: شهر مشهوریست بر ساحل بحر الهند و آبهای لهور و ملتان به آنجا آید و در بحر شور افتد (ص ۱۷۴ طبع ۱۳۱۰ ق تهران).

اکنون بعد از نقل اقوال جغرافیا نگاران و مؤرخان همه آنها تحت تحلیل قرار داده و نتایج مهمه را از آن اخذ میکنیم تا موقع شهر قدیم دیبل تعیین گردد:

الف: از تمام اقوال سابقه بر می آید که دیبل در غرب مصب مهران واقع بود یا بقول ابن حوقل بر دست راست آن.

ب: از همه روایات گذشته پدید می آید که دیبل بر کنار بحر شور واقع بود درینجا باید تمام آن آراء را نفی کنیم که دیبل را دور از ساحل بحر در تته یا جای دیگر قرار داده اند. مخصوصاً قول ابوالفضل (اثین اکبری ص ۵۵۶) مردود است. که دیبل را تته شمرده در حالیکه به تصریح بزرگ شهریار در عجایب الهند که حدود (۳۰۰ هـ) باشد تته در آن زمان هم موجود و شهر علاحده ای بود.

ج: بعد فاصله دیبل را در غربی مصب مهران عبارات مختلف تعیین کرده اند: ابن خردادبه دو فرسخ و مسعودی دو روزه و ادریسی شش میل گفته. که همه این اقوال بهم قریبتر است زیرا شش میل عربی همان دو فرسخ است که بدو روز طی میکردند ولی این فاصله را البیرونی (۱۲) فرسخ یعنی ۳۶ میل عربی گفته و مصب مهران را در لوهرائی بفاصله (۳۰) دقیقه شرقی دیبل قرار داده است که در نقشه ابن حوقل نیز تخمیناً چنین است. از روی درجات طول و عرض البیرونی مواقع دیبل لوهرائی و نبرون و قبلی بوضاحت تعیین شده که از روی آن میتوان بعد مسافت دیبل و لوهرائی را نیز تخمین کرد.

بدین تفصیل: بقول ابن رسته و اعلاق النفیسه (طبع لیدن ۱۸۹۱ م ص ۲۲) هر فرسخ سه میل و هر میل ۴ هزار زرع و هر زرع مساوی ۲۴ انگشت بود قراریکه دوکتور ارنلد (انسائیکلوپیدیای اسلام) گوید یک درجه عرض جغرافی باندازه البیرونی ۵۸ میل و بقول مسعودی در مروج الذهب ۵۶ میل شمرده شده ولی خود البیرونی در عرض ۲۹ شمالی یک درجه را ۱۱۵ - ۳۶۳ فت تخمین کرده. که بحساب کنونی ۶۰۵، ۳۶۴ گردد. چون مواقع دیبل و لوهرائی یک درجه باندازه ۳۶۵۰۰۰ فت باشد چون فرق دیبل با لوهرائی از طرف البیرونی ۳۰ دقیقه تعیین گردیده پس فاصله این دو شهر را نصف یکدرجه یعنی ۱۸۲۵۰۰ فت تخمین میکنیم که ۳۴ تا ۳۵ میل انگلیسی کنونی شود:

$۳۶۵۰۰۰ / ۲ = ۱۸۲۵۰۰$ فت که یکمیل انگلیسی است = ۳۴ تا ۳۵ میل.

د: یکی از نتایج مهم شرح البیرونی اینست که وی لوهرائی را بندر کوچکی بر مصب مهران در بحر خوانده و ازین پدید می آید که لوهرائی بر کنار بحر واقع و مصب قدیم مهران هم در آنجا بود. چون لوهرائی از خط استوا ۲۴ درجه و ۴۰ دقیقه شمالاً واقع بود بنابراین نتیجه باید گرفت که در آن عصر آب بحر تا همین درجه شمالاً وجود داشت حال آنکه اکنون آب بحر بکلی دور رفته و از درجه ۲۴ شمالی نیز جنوبی تر است. گویا بین سواحل بحر آن وقت و وضع کنونی آن تخمیناً یک درجه تفاوت موجود است و آب بحر باندازه تخمیناً ۶۰ تا ۷۰ میل جنوباً پس رفته و بهمین اندازه زمین خشک نمک زار بوجود آمده است.

ه: چون بتصریح البیرونی در آنوقت مصب مهران لوهرائی بود پس ما باید بقول متفق علیه جغرافیون موقع دیبل را در غرب آن بفاصله ۳۴ تا ۳۵ میل معین کنیم. که در بین مصب کنونی مهران بر ساحل بحر باشد باید در بین خشکهای بینی مجاری متعدد مهران دیده شود که آثار آبادانی کدام شهر قدیمی موجود است یا نه احتمال

می‌رود که محل وقوع مهران زیرشبهای ساحل پنهان شده باشد و یا اینکه بکلی زیر مجاری کنونی مهران آمده و از بین رفته باشد.

و: اگر چه بروایت ابن اثیر و تاریخ خلفا زلزله ئی در ۲۸۰ روی داده و دیبل را تخریب کرده بود ولی این شهر بروایت منهاج سراج در طبقات ناصری تا حدود ۶۰۰ هـ هم موجود بود و حتی بعد از خروج چنگیز چون سلطان جلال الدین خوارزمشاه از بامیان و پروان و پشاور گریخته به سند آمد. مدت یکماه در سیستان اقامت کرد پس از آن حکومت آنجا را به سید فخرالدین سالار سپرده و به جانب دیول و دمربله نهضت نمود و چنیسر (در اصل خنیسر) حکمران دیول ازو گریخته در کشتی بدریا رفت سلطان جلال الدین خوارزمشاه دیول را بدست آورده و در آنجا مسجد جامعی را در موضع بتخانه بنا نمود (رک: ص ۹۴ ج ۲، تاریخ جهانکشی عطا ملک جوینی).

جهانکشی در (۶۵۸) نوشته شده و بودن سلطان جلال الدین خوارزمشاه در دیول در ۶۲۰ هـ است بنا بران باید گفت که در ۶۲۰ هـ هم دیول شهری آبادان بود و در همین سنه جلال الدین در آن مسجد بزرگی را بجای بتخانه سابق الذکر بنا نهاده بود. چون این وسیله سراغ آخرین دیبل در تاریخ است بنا برآن اگر آثار چنین مسجدی در اراضی خشک بین مصب مهران برکنار بحر پیدا شود ممکن است از آن جای وقوع دیبل را قیاس کرد.

ز: امروز دلتای مهران در جنوب کراچی باندازه سی میل آغاز شده و تا فاصله تقریباً ۱۵ میل جنوباً ادامه دارد درین فاصله ۱۵ میل باید آثار دیبل را جستجو کرد اگر بکلی زیر مجرای جدید مهران نیامده باشد ممکن است بکشف آن نایل شد چون خط طول البلد ۹۲ درجه و ۳۰ دقیقه معینه البیرونی برهمین دلتا وارد می آید بنا بران سراغ شهر مفقود دیبل را در همین جا باید جست.

قراریکه مسعودی مصب مهران را شاکره تعیین کرده و شاکره اکنون نیز موجود است و از آنجا به فاصله دوازده میل دیبل واقع بود باز باید نتیجه گرفت که همان خط ۹۲ درجه و ۳۰ دقیقه البیرونی است ولی ممکن است که در عصر مسعودی و البیرونی مصب مهران دهانهای متعددی داشته که البیرونی یک مصب آنرا در لوهرا نی گفته و مسعودی مصب دیگر آنرا در شاکره تعیین کرده است اما فواصل معینه از لوهرا نی در حدود ۳۵ میل و از شاکره در حدود دو روزه راه یعنی تقریباً ۲۰ میل باشد باهم مطابقت دارد.

ح: کسانیکه موقع شهر قدیم دیبل را تحقیق میکنند باید نقشه قدیم البیرونی را با اعراض و اطوال بلاد بران نقشه جدید با دقت تطبیق نمایند چون این کار با وسایل فنی دقیق ممکن است و باید به مدد اهل فن و نقشه برداران ماهر که با جغرافی قدیم و جدید آشنا باشند صورت گیرد بنا برآن برای من که بضاعت مزجاتی از علم ندارم اکنون ممکن نشد شاید مقامات باستانشناسی باین موضوع دقیق توجهی فرمایند.